

مهم‌ترین حوزه دخالت دولت، رفاه اجتماعی است

دی 4، 1393

رفاه اجتماعی دارای شاخصه‌هایی است و در صورتی که محقق شود رفاه  در جامعه برقرار می‌شود. یکی از این شاخصه‌ها مربوط به توسعه انسانی است. یکی دیگر از شاخصه‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی برای رفاه اجتماعی تعریف می‌کنند شاخصه‌های ترکیبی است

رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است. توانایی یک فرد، گروه یا ملت برای فراهم آوردن خوشبختی، امنیت و تولید محصولات مناسب است که مردم را قادر می‌سازد بر اساس تعاریف خاص خودشان، خوب زندگی کنند. رفاه کمک می‌کند تا جایی در فکر مردم باز شود تا آنها بر اساس اولویت‌های مدنظرشان به یک زندگی سالم و معنوی دست یابند و دیگر هر روزه نگران آنچه برای حیاتشان الزامی است، نباشند. رفاه اجتماعی را می‌توان جزء مهم‌ترین نیازهایی نام برد که هر فرد برای زندگی در جوامع مختلف به آن نیاز دارد که در صورت عدم تحقق آن زندگی در این جوامع با مشکلات زیادی همراه خواهد بود. اهمیت این رفاه اجتماعی به حدی است که در خیلی از جوامع از جمله ایران، وزارتخانه‌ای به آن اختصاص داده شده است که به حل مشکلات شهروندان و ایجاد شرایط مناسب برای افزایش رضایت اجتماعی می‌پردازد. اما برای اینکه در کشوری جامعه و دولت رفاه ایجاد شود همیشه یکسری شاخصه‌ها و یک سری اقدامات نیاز است که به شهروندان رضایت کامل را بدهد و با انجام سیاست‌گذاری‌های متنوع در این حوزه به رفاه اجتماعی جامعه عمل بپوشاند. این سیاست‌ها باید به نحوی باشند که شرایط اجتماعی سخت را به شرایط رفاه اجتماعی تبدیل کنند.

درباره رفاه اجتماعی و وضعیت ایران در این زمینه فرشید یزدانی، سیاست‌گذار مسائل اجتماعی و کارشناس حوزه رفاه اجتماعی به «آرمان» می‌گوید: دولت اصلاحات به بحث رفاه اجتماعی توجه زیادی کرد. با توجه به آنکه در کشور ایران توجه به رفاه اجتماعی مردم از اهمیت زیادی برخوردار است، تعریف رفاه اجتماعی چیست؟ و آیا توجه کافی به این زمینه می‌شود یا خیر؟

مبنای رفاه اجتماعی در جوامع مدرن با ایجاد دولت ملتها در قرن 19

و 20 شکل گرفت و تا حدی به دولت‌ها مشروعیت بخشید. براساس آن یکی از وظایف دولت‌ها این شد که آنها به عدالت اجتماعی بپردازند که بر اساس آن تمام افراد جامعه بتوانند از حداقل‌هایی برخوردار شوند؛ البته این حداقل‌ها در هر جامعه‌ای متناسب با شرایط موجود در آن جامعه است. این حداقل‌های رفاه اجتماعی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه بهداشت، سالمندی، کودکی و... باید اعمال شود. باید مجموعه‌ای کامل برای هر فردی که پا به دنیا می‌گذارد ایجاد شود تا از حقوق اولیه خود برخوردار باشد و بتواند از آنها در راستای رفاه خود استفاده کند. نکته دیگر درمورد رفاه اجتماعی، توجه به حقوق اجتماعی و شهروندی مردم است که در یک قرن گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار شده است.

با توجه به اهمیت این موضوع در کشورهای جهان، شاخص‌های رفاه اجتماعی چه مواردی هستند؟

رفاه اجتماعی دارای شاخص‌هایی است و در صورتی که محقق شود رفاه در جامعه برقرار می‌شود. یکی از این شاخص‌ها مربوط به توسعه انسانی است. یکی دیگر از شاخص‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی برای رفاه اجتماعی تعریف می‌کنند شاخص‌های ترکیبی است؛ مانند ضریب جینی از توزیع درآمد. البته این شاخص به تنهایی کارآمد نیست و باید در کنار آن شاخص‌های دیگری نیز تعریف شود. شاخص دیگر، سطح سلامت است که متناسب با معیارهایی تعریف می‌شود. به عنوان مثال کودکانی که بعد از تولد توانایی زنده ماندن را دارند. این امر نشان می‌دهد که کاهش مرگ و میر کودکان یکی از شاخص‌های مهمی است که در سطح سلامت باید به آن توجه شود. تحت پوشش قراردادن شهروندان در گسست احتمالی زندگی، مانند بیماری، بیکاری، نقص عضو و... یکی از شاخص‌های دیگری است که حوزه رفاه اجتماعی باید به آن اهمیت دهد.

آیا ایران از لحاظ برخورداری از این شاخص‌ها در وضعیت مطلوبی قرار دارد؟

رفاه اجتماعی عملی فرابخشی است؛ از حوزه‌های تغذیه، محیط زیست و... شروع می‌شود و به حوزه‌ای دارای اهمیت بیشتر ختم می‌شود. همه این موارد از جمله‌های شاخص‌های رفاه اجتماعی هستند و می‌توانند رضایت اجتماعی ایجاد کنند.

البته در هر منطقه با توجه به شرایط حاکم در آن این شاخص‌ها تا حدی تفاوت دارند و برخورداری از آنها می‌تواند به رضایت شهروندان بینجامد. در ایران به رغم امکانات وسیعی که از آن برخوردار هستیم، این شاخص‌ها در کلیت آن وضعیت مطلوبی ندارد و در سال‌های اخیر افت پیدا کرده است. این کاهش کیفیت شاخص‌ها را می‌شود در حوزه‌های مختلف مشاهده کرد؛ به عنوان مثال در حوزه محیط زیست، وقتی تخریب محیط زیست صورت می‌گیرد و دریاچه‌ها و رودهای کشور مانند زاینده‌رود و دریاچه ارومیه خشک می‌شوند، به طور یقین تاثیر نامطلوبی در چارچوب زندگی شهروندان کشور به ویژه شهروندان ساکن آن منطقه می‌گذارد. در بعضی از موارد نیز شاخص‌ها روند مطلوبی دارد؛ به عنوان مثال، در

کاهش مرگومیرها عملکرد خوبی داشته‌ایم و بعد از انقلاب جمعیت روند رو به رشدی به خود گرفته است و دلیل آن نیز تا حدی ایجاد خانه‌های بهداشتی بود که در مقطعی از زمان، در بعضی از مناطق کشور راه‌اندازی شد. متأسفانه به بخش رفاه توجه کمی می‌شود و در تخصیص بودجه، اولین بخشی است که در بودجه از رقم آن کم می‌شود. به‌عنوان مثال در بودجه امسال، رقم واقعی بودجه تخصیص داده شده به حوزه رفاه اجتماعی با توجه به نرخ تورم، کاهش داده شده است و حتی در بعضی مواقع نیز این تخصیص‌ها رشد قابل قبولی ندارد. به همین دلایل است که همه‌ساله به کمبود بودجه در آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و سایر سازمان‌های مرتبط با حوزه رفاه اجتماعی مواجه می‌شویم که امسال نیز این اتفاق افتاد و افزایش بودجه در این حوزه صورت نگرفت.

در ایران مداخلات دولتی در بحث رفاه اجتماعی به چه صورت بوده است؟ آیا از شرایط خوبی برخوردار است؟

مداخلات دولتی متأسفانه در این زمینه خوب نبوده است که مصداق آن نیز همین کمبود بودجه است. در حوزه کودکان، آسیب‌های زیادی وجود دارد که به آن توجه شایانی نشده است. به عنوان مثال حدود 25 درصد از کودکان ما خارج از چرخه تحصیل قرار دارند که همین امر به‌خوبی نشان می‌دهد که وضعی اساسی در فعالیتهای دولتی در حوزه رفاه اجتماعی وجود دارد. در حوزه‌های مربوط به حمایت از بیمه‌های اجتماعی، حجم بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی نشان‌دهنده یک نوع رویکرد اشتباه در حوزه رفاه اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی است. به نظر من حوزه مداخله دولت حوزه‌ای کمرنگ است درحالی که مهم‌ترین حوزه‌ای که دولت باید در آن مداخله کند، حوزه رفاه اجتماعی است. دخالت به این معنا که شرایطی را ایجاد کند که سازوکارهای این حوزه به‌درستی انجام شده و بهتر دیده شود. در چند سال اخیر با ادغام وزارت کار و تعاون و رفاه، توجه به رفاه اجتماعی تا حد زیادی کاهش یافت. به همین دلیل انتظار من از دولت این است که این وزارت‌ها را دوباره تفکیک کند. البته در دولت آقای خاتمی این موضوع اهمیت پیدا کرد و در این دوران وزارت رفاه تاسیس شد. نگاه در دوره آقای خاتمی نگاهی مثبت بود که این حوزه باید دارای متولی خاص خود باشد و ادغام کردن آن در این دولت امری غلط محسوب می‌شد. اما بعدها با ادغامی که صورت گرفت که متأسفانه ادامه نیز دارد، این نگاه به حوزه رفاه اجتماعی توسط دولت، تا حد زیادی کمرنگ شد. وزیر تعاون و رفاه اجتماعی عنوان کردند که رفاه اجتماعی از اولویتهای این دولت است، با توجه به این صحبت‌ها آیا در این حوزه تاکنون اقدام و عملی صورت گرفته است که بتوان بر این صحبت‌ها صحت گذاشت؟

به نظر من تاکنون چنین اقدامی صورت نگرفته است زیرا این توجه به یک حوزه را ابتدا باید در تخصیص بودجه مشاهده کرد. در بودجه امسال نیز توجه زیادی به حوزه رفاه اجتماعی نشده است. به‌عنوان

مثال در حوزه اشتغالزایی که برای دولت حائز اهمیت است نیز هیچ اتفاق قابل قبولی انجام نشده است. به نظر من شاخصهای رفاه اجتماعی و توجه به آن را باید در این موارد پیدا کرد و نحوه نظارت به این حوزه را به این نحو تشخیص داد.

به نظر شما چه اقداماتی باید در کشور صورت بگیرد تا رفاه اجتماعی به نحوی شایسته در ایران تحقق یابد؟

به نظرم باید این حوزه، موضوع دولتمردان ما شود. وقتی این موضوع مورد پیگیری دولتمردان ما قرار بگیرد، اهمیت آن بهتر درک میشود به طوری که آنها نیز با جدیت بیشتری درصدد بهبود وضع این حوزه در کشور برمی آیند. یکی از گامهای مطلوب جهت تحقق رفاه این است که وزارت و ساختار متناسب با این حوزه ایجاد شود که متأسفانه بحث رفاه اجتماعی به یک معاونت با حجم محدودی تقلیل یافته است. در حوزه های رفاه اجتماعی ما مشکلات زیادی داریم که باید به آن پرداخته شود بخشی از آن مربوط به آسیبهای اجتماعی است که بسیار کمرنگ شده است. کودکان کار، کودکان خارج از چرخه تحصیل و... از مشکلاتی است که هنوز دولت نتوانسته است متولی خاصی برای آنها به وجود آورد تا به این وسیله بتواند مسئولیتهای این حوزه را به این متولی واگذار کند و رفع مشکلات این حوزه را از آنها درخواست کند. البته بخشی از وزارت رفاه و تعاون به این قبیل موارد می پردازد اما تاکنون عمل قابل دفاعی انجام نشده است. به نظر من پاشنه آشیل دولت ها، حوزه های اجتماعی به ویژه رفاه اجتماعی شهروندان است که باید به آن به نحو بهتری پرداخته شود.

پس از انقلاب اکثر دولت ها به موضوع رفاه اجتماعی اهمیت زیادی داده و به آن تاکید کردند، ارزیابی شما از کار این دولت ها در حوزه رفاه اجتماعی چیست؟

در نگاه اجمالی به عملکرد این دولت ها باید گفت که درباره عملکرد دولت آقای روحانی زود است که به قضاوت بپردازیم اما آقای خاتمی در این حوزه موفق تر بود، زیرا با توجه به برنامه ها و نیازها در این حوزه برای آن ساختار قابل قبولی ایجاد کرد، به طوری که در این راستا چند سال نیز بحث هایی درباره بخش های مختلف آن صورت گرفت که در نهایت در سال 81 وزارت رفاه را تشکیل داد. در دوره اصلاحات در سایر حوزه هایی که به رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی اثرگذار بود نیز توجه فراوانی شد. در دوره آقای خاتمی رشد اقتصادی بیشتر از برنامه های سوم توسعه و بخشی از برنامه های دوم توسعه بود و نرخ رشد بالاتری نیز در این دوره به دست آمد؛ البته این درحالی است که در این سال ها درآمد نفتی بسیار پایین بود هزینه ها از جاهای دیگری تامین میشد. شاخصها در کل نشان میدهد که دوره اصلاحات در این حوزه بهتر عمل کرده است. در دولت کنونی و دولت قبل برای مسکن مهر، هزینه های زیادی شد که نتیجه مطلوبی به بار نیاورد، اما در زمان آقای خاتمی طرحی برقرار شد که میتوانست نتایج خوبی داشته باشد اما این طرح در دولت های بعدی حذف شد. این طرح برنامه های خوبی در

حوزه‌های مختلف سلامت و... داشت که با 32 هزار میلیارد می‌توانست به نتیجه برسد و وضعیت مسکن در کشور را تا حد زیادی بهبود ببخشد، ولی امروز بیشتر از 40 هزار میلیارد در مسکن مهر هزینه شد و هیچ اتفاق مطلوبی انجام نشد. البته شواهد نشان می‌دهد که در حوزه‌های دیگر از جمله سلامت، جرم و... نیز دولت قبل عملکرد مطلوبی نداشت. درمورد دولت آقای روحانی قضاوت زود است.

یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی بحث بیمه‌های خدمات اجتماعی است. به نظر شما بیمه‌های اجتماعی در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارند؟

بیمه‌های اجتماعی یک فعالیت کلان مستقل از دولت است زیرا به آن بودجه‌هایی مستقل از بودجه‌های دولت تخصیص داده می‌شود. اما یک عمل اشتباه که در حوزه بیمه‌های اجتماعی صورت گرفت که هنوز نیز ادامه دارد سیاسی‌شدن این حوزه و وارد شدن سیاستمداران به حوزه بیمه‌هاست. خوشبختانه در دولت جدید این اتفاق کمرنگ شد. همچنین قرار بود بدهی به برنامه چهارم توسط دولت قبل پرداخت شود که متأسفانه آن دولت این بدهی‌ها را پرداخت نکرد و باعث شد هزینه‌های زیادی بر دوش دولت جدید بیفتد. این بدهی‌ها مبلغ بسیار کلانی است که در تخصیص بودجه به آن هیچ گونه توجهی نشد. باید گفت که در کل، صندوق‌های بیمه باید بدون جهت‌گیری باشند که با ورود افراد سیاسی به آن، این اتفاق نیفتاد. البته در دولت کنونی سعی شد که از این اقدام جلوگیری شود که با وجود این تلاش‌ها هنوز این مداخلات وجود دارد.

با توجه به اینکه دولت کنونی بر فراگیربودن بیمه‌های خدمات اجتماعی درمانی تأکید دارد، به نظر شما با توجه به وضعیت اقتصادی فعلی ایران، این امر منجر به فشار فزاینده بر دوش دولت نمی‌شود؟

فراگیربودن بیمه‌ها در حوزه سلامت عمل خوبی بود که دولت کنونی نیز اقداماتی برای عملی شدن آن انجام داد. البته این اقدام گامی ناقص است زیرا بیشتر متکی بر پول است. به جای بخش‌های دیگری که می‌تواند وجود داشته باشد این حوزه به توزیع بیشتر پول از سمت مردم به ارائه‌دهندگان خدمات درمانی می‌پردازد. متأسفانه در حال حاضر برنامه‌ای برای اصلاح اساسی این اقدام مشاهده نمی‌شود و تنها در بخش توزیع پول باقی مانده است. سقف درآمد بیشتر پزشکان بیش از دو و سه برابر تغییر پیدا کرده است که برای تأمین این درآمدها متولیان مجبور هستند از درآمد عمومی استفاده کنند که فشار اصلی را بر دوش مردم می‌آورد و باعث می‌شود تا حدی توزیع ثروت انجام شود. به نظر من نگاه در این حوزه نیز نگاه اثرگذار و بلندمدت نبود. با توجه به کوتاه‌مدت بودن این نگاه، در صورتی که کمبود بودجه در این حوزه اتفاق بیفتد اثرات مخربی را به بار خواهد آورد.

پیدایش تشکلهای گروهی و ایجاد قوانین برای تامین نیازهای شهروندان را تا چه حد لازم میدانید؟

رفاه اجتماعی بحث سه‌جانبه‌گرایی است که نهادهای کارگری، نهادهای کارفرمایی و دولت در آن اثرگذار هستند. با وجود این قضایا دولت

تاکنون اقدام خاصی برای بازکردن فضا برای ایجاد تشکلهای گروهی و... انجام نداده است. این تشکلهای میتوانند گسترده شوند و در عرصه جامعه حضور یابند که همین امر به سود کل جامعه است. درکل شرایط و راهکارهای لازم برای راهاندازی این تشکلهای کماکان ایجاد نشده است تا آنها بتوانند با اقدامات خود نیازهای اساسی شهروندان را تامین کنند.

خیلیها معتقدند، گفتمان غالب در رفاه اجتماعی، گفتمانی مادی است به نحوی که مقولات اقتصادی عامل مولد یا مانع رفاه اجتماعی هستند. نظر شما در این رابطه چیست؟

بحث مهم درباره رفاه اجتماعی رضایت اجتماعی است که همه آن مربوط به پرداختها و هزینهها نمیشود. البته پرداختهای مالی و... بسیار مهم است و نمیتوان آن را نادیده گرفت. به نظر من موارد دیگری نیز وجود دارد که اهمیت بیشتری دارند؛ بهعنوان مثال حقوق شهروندی میتواند تاثیر بهتری در مناسبات اجتماعی مردم بگذارد؛ وقتی فردی این احساس را بکند که بهعنوان یک شهروند پذیرفته شده است و از حقوق شهروندی برخوردار است بهطور حتم به رفاه اجتماعی نیز دست پیدا میکند. در حوزههای اجرایی رویکرد تامین مالی باید وجود داشته باشد البته نباید رویکردی بازاری به این تامین مالی وجود داشته باشد. اگر بخواهیم با رویکرد بازاری به این قضایا نگاه کنیم بهطور حتم این اقدامات زیانده خواهند بود. در این بین باید یک نگاه توزیع درآمدی وجود داشته باشد که خارج از نگاه بازار آزاد باشد. نگاه در سیاستگذاریهای اجتماعی باید به این سمت برود که این اقدامات یک مقوله اجتماعی است که حاصل شکست بازار است. اگر بخواهیم به رفاه اجتماعی بهعنوان امری مادی نگاه کنیم بهطور یقین به جایی نخواهیم رسید. بهعنوان مثال خصوصیسازی بیمهها که در جهان امری شکستخورده است نباید عملی شود. در این بین باید به «باز اصلاحگری» اهمیت داده شود تا بتوان برنامههای همهجانبه را بهوجود آورد.